

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

تبیین یک مؤید پیرامون استدلال به فراز آن خفتم در آیه 101 نساء، از منظر مختار؛

ما قبل از اینکه این بحث را بیان کنیم؛ یک نکته‌ی دیگری در ذهن ما رسیده، چون این آیه قصر را که فرمود: (وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا) که مفصل بحثش را کردیم، لعلّ هنوز در ذهن بعضی از این آقایان و بعضی از شما این باشد که بالأخره این (إِنْ خِفْتُمْ) را نمی‌شود از کنارش گذشت. ما در آیه قصر بیان کردیم که این (إِنْ خِفْتُمْ) به عنوان شرط وارد مورد غالب است و اگر یک شرطی این چنین شد دیگر مفهوم ندارد! یکی از مؤیداتی که می‌خواهیم بیاوریم، حالا ببینید آیا این مؤید شما را اقناع می‌کند یا نه؟ در مباحث اجتهادی فقیه باید اقناع شود، خودش را در مسئله مطمئن ببیند، حالا نه مطمئن اطمینانی که بگوئیم اطمینان عرفی مراد باشد یعنی یک سکون نفسی بحسب الحجة الشرعية برای او باشد.

بیان مؤید:

مؤید این است که تمام روایاتی که ما در باب قصر نماز داریم که شاید متجاوز از 200 روایت است، در یکی از اینها ائمه معصومین (علیهم السلام) به این (إِنْ خِفْتُمْ) تمسک نکردند. در حالی که ما روش ائمه (علیهم السلام) را در برخورد با قرآن که واقعاً این هم یکی از کارهای مهمی است که باید انجام شود، هنوز هم آن کار شایسته و بایسته انجام نشده که روش ائمه معصومین (علیهم السلام) در برخورد با قرآن چگونه بوده؟ نهایتش این است که ما یک روایاتی را در فضل قرائت قرآن از ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌خوانیم، در حالی که این عُسری از اعشار آن مطالب و معارف و سلوکی است که اینها نسبت به قرآن داشته‌اند. در باب استدلال شما ببینید در مسح وضو، ائمه (علیهم السلام) می‌فرمایند: «ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء»، این البته یک مثال است، مثال‌های فراوانی دارد که ائمه به اصحابشان نحوه‌ی استدلال به آیات را بیان کردند. حال سؤال این است که آیا می‌شود بگوئیم این (إِنْ خِفْتُمْ) شرط هست اما در یک روایت، ائمه معصومین به آن استدلال نکرده باشند، در یک روایت فرقی میان خوف و امن نداشته باشیم، تمام این روایاتی که ما داریم مسئله‌ی اطلاق در آن وجود دارد. ائمه‌ای که به یک باء در آیه وضو، تمسک می‌کنند اگر این (إِنْ خِفْتُمْ) واقعاً مفهوم داشت باید به آن استدلال می‌کردند، به نظر من این یک مؤید خیلی قوی می‌تواند باشد.

بررسی کیفیت جمع بین تعابیر وارده در روایات وجوب قصر در سفر؛ بحث در این است که این عناوین که در روایات وارد شده که ما در بحث گذشته این عناوین را تقسیم‌بندی کردیم و عرض کردیم در بسیاری از روایات، این عناوین «ثمانیة فراسخ»، «بریدان» و «اربعة و عشرون میلاً» وجود دارد و تعابیر دیگری هم هست که باید ببینیم این تعابیر آیا به اینها برمی‌گردد یا خیر؟ عمده‌ی بحث در کلمات فقها این است که آیا ما در باب حدّ مسافت شرعی، «دو ضابطه» داریم که یکی «ثمانیة فراسخ» و دیگری «مسیرة یوم» است؛ یا اینکه آیا در باب حدّ مسافت شرعی یک ضابطه و یک چیز داریم و دو ضابطه نداریم و هر دوی اینها یک چیزاند. البته ثمراتش را عرض می‌کنم که اگر دو ضابطه باشد چه ثمره‌ای دارد و اگر یک ضابطه باشد چه ثمره‌ای دارد؟ در بحث گذشته روایت اول را خواندیم؛

تبیین دو نکته مهم در روایت اول از منظر مختار؛

نکته‌ای که در این روایت اول می‌خواهیم بیان کنیم این است که:

نکته اول:

طبق روایت اول، حد مسافت شرعی، ثمانیة فراسخ است و مسیرة یوم نیز حکمت آن است؛

در یک جا فرمود «إنما وجب التقصیر فی ثمانیة فراسخ لا أقل من ذلک و لا أكثر»، بعد فرمود «لأنّ ثمانیة فراسخ مسیرة یوم للعامة و القوافل و الانتقال فوجب التقصیر فی مسیرة یوم»، سؤال این است که آیا حضرت امام رضا (علیه السلام) می‌خواهند بفرمایند ثمانیة فراسخ ملاک نیست؟ و ثمانیة فراسخ را می‌خواهند به «مسیرة یوم» برگردانند؟ چون می‌فرمایند: «لأنّ ثمانیة فراسخ مسیرة یوم»، یا اینکه نمی‌خواهند بفرمایند «ثمانیة فراسخ» ملاک نیست و «مسیرة یوم» ملاک است، بلکه دارند حکمت «ثمانیة فراسخ» را بیان می‌کنند یعنی چرا شارع مقدّس، حد مسافت را هشت فرسخ قرار داد؟ می‌فرماید چون حرکت در یک روز به اندازه‌ی هشت فرسخ است ملاک همان هشت فرسخ است.

به نظر ما ظاهر روایت این است؛ مخصوصاً با توجه به اینکه فرموده «ثمانیة فراسخ لا اقل من ذلک و لا اکثر». حالا اگر کسی مسیرة یومی آمد هفت فرسخ شد، چون اگر ما بگوئیم اینها دو تا ضابطه است؛ ثمره‌اش یکی در همین جا ظاهر می‌شود که اگر کسی یک روز کامل را حرکت کرد که «مسیرة یوم» هم معنا می‌کنیم دو تا معنا در آن وجود دارد ولی مجموعاً هفت فرسخ شد، آنهایی که می‌گویند «مسیرة یوم» ملاک است می‌گویند نماز را باید قصر کند ولو هفت فرسخ شده باشد. وقتی در روایت می‌گوید «ثمانیة فراسخ لا اقل من ذلک و لا اکثر من ذلک» این پیدا است ملاک هشت فرسخ است، حالا شارع چرا هشت فرسخ را ضابطه قرار داده؟ حکمتش این است که غالباً مسیر یک روزی که انسان حرکت می‌کند هشت فرسخ است نه اینکه خود «مسیرة یوم» در اینجا ملاک باشد.

نکته دوم:

تبیین دو احتمال از تعبیر «مسیرة یوم»؛

دو احتمال در کلمات فقها درباره «مسیرة یوم» هست؛

این است که مراد از «مسیره یوم»، یوم صائم است. می‌گوئیم شارع همینطور جزافاً گفته هشت فرسخ؛ یا اینکه بالأخره آمده یک ملاکی قرار داده، یک کسی که صبح تا مغرب حرکت می‌کند به یک جایی می‌رسد، می‌خواهد برایش تسهیلی فراهم کند و می‌فرماید نمازت را قصر کن! منتها این موضوعیت ندارد، موضوعیتی که دارد هشت فرسخ است اما آن هم به عنوان حکمت جعلش هست. در مورد معنای «مسیره یوم» یک معنا این است که مراد از یوم، یوم صائم است که یوم صائم از فجر شروع می‌شود تا لیل. (كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَّامَ إِلَى اللَّيْلِ)، از خیط ابیض یعنی طلوع فجر صادق تا لیل، این یک احتمال.

اینکه بگوئیم از طلوع شمس است تا لیل.

پذیرش احتمال اول درباره مسیره یوم توسط صاحب جواهر(ره)؛

صاحب جواهر(ره) در جلد 14 صفحه 194 می‌فرماید این «مسیره یوم»، ظهور در یوم الصائم دارد؛ ایشان می‌فرماید بدین علت که «لتعبیر فیها ببیاض یوم»، چون در بعضی از روایات به جای «مسیره یوم» فرموده «بیاض یوم»، لعل این بیاض را هم منطبق کردند بر همان خیط ابیض، (كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ)، لذا فرمودند مراد این است.

دو مناقشه بر نظریه صاحب جواهر(ره) از منظر مختار؛

اما به نظر ما:

اولاً:

این هیچ دلیلت ندارد، بیاض و ... روشن می‌شود، اتفاقاً این ظهورش بیشتر است در اینکه از اول شمس باشد؛

ثانیاً:

حرکت کاروان‌ها اینطور نبوده که از اول طلوع فجر باشد، آن موقع هنوز هوا تاریک است، کاروان‌ها وقتی می‌خواستند حرکت کنند یک مقدار که هوا روشن می‌شد حرکت می‌کردند! لذا ظهور در همین «مسیره یوم»، دارد؛ «یوم»، معنای لغوی‌اش از طلوع شمس است، یوم، روز و نهار از طلوع شمس است، حالا این جاهای مختلفی در فقه مورد بحث است، مثلاً فرض کنید در باب بیتوته‌ی در منا می‌گویند: آیا در میبت، ملاک را تا طلوع فجر بگیریم یا تا طلوع شمس؟ خیلی از فقها آنجا طلوع فجر را ملاک قرار می‌دهند. پس ظاهر این است که مراد از «مسیره یوم»، یعنی از همان طلوع شمس تا لیل، بیاض یوم هم همین است.

بررسی روایت دوم:

از امام رضا(علیه السلام)؛

روایت دوم می‌فرماید «و رواه فی العلل و عیون الأخبار بإسناد یأتی»، همین حدیث را در کتاب «علل الشرایع» و «عیون اخبار الرضا (علیه السلام)» هم آمده منتها یک اضافه‌ای دارد.

این اختلاف عبارتست از اینکه «و قد یختلف المسیر فسیر البقر إنما هو أربعة فراسخ»، بعضی‌ها با گاو حرکت می‌کنند «و سیر الفرس عشرون فرسخاً»، اسب 20 فرسخ می‌رود «و إنما جعل مسیر یوم ثمانية فراسخ لأن ثمانية فراسخ هو سیر الجمال و القوافل»، سیر شتردارها و قافله‌دارها معمولاً هشت فرسخ می‌روند، گاو چهار فرسخ است، اسب بیست فرسخ است، شتر هم هشت فرسخ بوده «و هو الغالب عن المسیر و هو أعظم سیر الذی یسیره الجمالون و المکاریون»، مکاریون یعنی همان چاروادارها و خرکچی‌ها. این اضافه‌ای که در این روایت آمده باز شاهد بر این معناست که شارع آمده در زمان خودش، سیر متعارف و متوسط را حساب کرده، بقر چهار فرسخ بوده، فرسخ بیست فرسخ بوده با جمل حساب کرده، ولی ضابطه را به نحو کلی قرار داده، فرموده من هشت فرسخ را برای حرکت معمولی در این زمان قرار می‌دهم، نه! ضابطه قرار داده، هشت فرسخ را نیامده بگوید این هشت فرسخ برای جایی که کسی فقط با شتر برود، نه! در همان زمان اگر کسی با بقر هم حرکت کند، هشت فرسخ باید برود. حالا اگر کسی با یک وسیله‌ی ضعیف‌تر از بقر حرکت کند مثلاً یک الاغ مریض دارد هر روزی فقط یک فرسخ می‌رود، باز هم ملاک هشت فرسخ است، نمی‌شود گفت این حرف‌هایی که این روزها بعضی از روشنفکرها می‌زنند که این، مربوط به آن زمان بوده که ماشین و هواپیما نبوده، به ایشان می‌گوییم درست است که هواپیما نبوده ولی وسائل که مختلف بوده! فرس بوده، بقر بوده، حمار بوده، جمل بوده، پیاده هم بوده. آنهایی که پیاده می‌رفتند چند فرسخ باید بروند؟ آنها هم باید هشت فرسخ بروند.

این مطلب را به خوبی از روایات کسب می‌کنیم، واقعاً آنچه فقهای بزرگ فرمودند همه روی دقت بوده، اینطور نبوده که یک کسی بعد از 1200 سال پیدا شده یک مطلب دقیق و جدیدی را آورده که صحیح است، نه! باید اینها را دقت کرد.

صحیحه عبدالله بن یحیی کاهلی از امام صادق (علیه السلام)؛

در روایت سوم «و بإسناده» یعنی اسناد صدوق (ره) «عن عبدالله بن یحیی کاهلی» که سند صدوق (ره) به عبدالله بن یحیی کاهلی صحیح است. حالا این روایت باید صحیحه باشد ولی صاحب جواهر از این روایت تعبیر به حسنه کرده!

«أنه سمع الصادق (علیه السلام) یقول» عبدالله بن یحیی کاهلی می‌گوید: «یقول فی التقصیر فی الصلاة» امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقدار تقصیر در نماز «بریداً فی برید»، یعنی بریدان «اربعة و عشرون میلاً»، 24 میل. دیروز عرض کردم هر چهار فرسخی یک برید است در مورد برید هم معنایش را توضیح دادیم که وجه تسمیه‌اش چیست؟ آن وقت هر فرسخی سه میل است، هر چهار فرسخی می‌شود 12 میل و دو برید می‌شود 24 میل. «ثم قال ان ابی کان علیه السلام یقول: إن التقصیر لم یوضع

على البغلة السفواء او الدابة الناجية» استر تندرو و چهارپایی که خیلی تند می‌رود «و إنما وُضِعَ على سير القطار»، یعنی شارع ملاحظه‌ی حدّ وسط را کرده که همان قطار از ابل است.

بعد می‌فرماید: این روایت را شیخ طوسی(ره) هم به اسناد خودش از چه کسانی نقل کرده، در اینجا صاحب وسائل(ره) فرموده: «أقول المراد أنما ورد من تهديد المسافة بمسير يومٍ مخصوصاً بسير القطار»، می‌فرماید مسیرِ یوم را ملاکش همان مسیرِ قطار از ابل است.

بررسی روایت چهارم؛

روایت چهارم «قال» یعنی قال الصدوق(ره) «و قد سافر رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) إلى ذى خشب و هو مسيرة يومٍ من المدينة» از مدینه تا وادی ذی خشب مسیر یک روز راه است، «يكون إليها بریدان اربعةً و عشرون ميلاً فقصر و أفطر» به ذی خشب که رسیدند تقصیر کردند افطار هم کردند «فصارت سنةً» این سنت یعنی واجب، منتها واجبی که این حدّ را رسول خدا(صلي الله عليه وآله وسلم) بیان کرده، لذا «مما فرضه النبي» می‌شود؛ از این «مما فرضه النبي» تعبیر به سنت می‌شود.

در این روایت، «مسيرة يومٍ» را گفته «بریدان»، بریدان هم همان 24 میل است. کسانی که مثل صاحب مدارک(ره) می‌خواهند بفرمایند «مسيرة يومٍ» یک ضابطه است و «ثمانية فراسخ» یک ضابطه، اینها با ظاهر این روایت سازگاری ندارد؛ چون می‌گوید «مسيرة يومٍ» همان بریدان است، یعنی اینجا یک ضابطه را خدا بیان می‌کند، یک ملاک بیان می‌کند.

بررسی روایت ششم؛

حسنه فضل بن شاذان از امام رضا(علیه السلام)؛
روایت پنجم را کار نداریم؛ سند و متن روایت ششم به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت

«و فی عیون الأخبار بأسناد تأتی عن الفضل بن شاذان» این یک روایت حسنه است که از فضل بن شاذان نقل شده است؛

ب. بررسی دلالت روایت؛

«عن الرضا(علیه السلام) فی کتابه إلى المأمون» حضرت در نامه ای که به مأمون مرقوم فرمودند، می‌فرمایند: «و التقصیر فی ثمانية فراسخ و ما زاد و إذا قصر أفر» ملاک هشت فرسخ است و مازاد هم دارد.

بررسی روایت هفتم؛

صحیحه ابی ایوب از امام صادق(علیه السلام)؛

الف. بررسی سند روایت؛

روایت هفتم؛ «محمد بن الحسن» شیخ طوسی(ره) «بإسناده عن محمد بن علی بن محمود» که سند شیخ طوسی(ره) صحیح است «عن یعقوب بن یزید عن ابن أبی عمیر عن أبی أيوب» روایت، صحیحه است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«عن ابی عبدالله(علیه السلام) قال سألتہ عن التّقصیر قال فقال فی بریدین أو بیاض یوم» در این روایت نمی‌گوید ...، بیاض یوم که عرض کردیم همان مسیره یوم است، نمی‌فرماید «و هما مسیره یوم».

این را در ذهن شریف‌تان داشته باشید لعلّ یکی از مستندات صاحب مدارک(ره) این روایت است، چون در اینجا تعبیر به «أو» دارد، «أو» ظهور در تنويع دارد، یعنی دو نوع ضابطه را امام(علیه السلام) فرمودند «بریدین او بیاض یوم»، این تعبیر را در روایات خوب دقت کنید.

بررسی روایت هشتم:

موثقه سماعة؛

سند و متن روایت به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت؛

«و عنه» (یعنی عن محمد بن الحسن) «بإسناده عن محمد بن علی بن محبوب عن أحمد عن الحسين عن الحسن عن زرعة عن سماعة»، روایت موثقه است،

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قال سألتہ عن المسافر فی کم یقصرّ الصلاة، فقال فی مسیره یوم، و ذلک بریدان و هما ثمانية فراسخ»، شاید بهترین روایتی که شاهد بر این است که مسیره یوم همان بریدان است، بریدان هم همان ثمانية فراسخ است این روایت است. نمی‌فرماید فی مسیره یوم أو بریدین أو ثمانية فراسخ، بلکه می‌فرماید «فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانية فراسخ».

بررسی روایت یازدهم:

صحيحه ابی عمیر از امام صادق(علیه السلام)؛

حدیث بعدی که با آن کار داریم در این باب حدیث یازدهم است که سند و متن روایت به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت؛

این روایت صحیحه هم هست «و بإسناده عن الحسين بن سعيد»، شیخ طوسی(ره) از حسین بن سعید «عن النذر بن سويد عن عاصم بن حُمید عن ابی بصیر قال»، در تعبیر که می‌گویند عاصم بن حُمید اینها تصغیرش برای این است که اصلش که حُمید است مربوط به خدای تبارک و تعالی است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

«قلت لأبی عبدالله(علیه السلام) فیکم یقصرّ الرجل» در چه مقداری رجل باید تقصیر کند؟ «فی بیاض یوم أو بریدین» این هم شد دو تا روایت. روایت هفتم و یازدهم را داشته باشید که کلمه «أو» دارد که بعداً باید راجع به آن بحث کنیم.

بررسی روایت دوازدهم:

حدیث بعدی هم حدیث دوازدهم است که فقط نتیجه را بیان می‌کنم؛ ذی خشب را فرموده بریدان.

حدیث سیزدهم باز از سماعه است که به نظرم تکراری است، همان حدیث هشتم است. حضرت فرمود قصر نماز در «مسیره یوم و هی ثمانیه فراسخ»، باز این روایت هم مثل همان روایت‌های اول که خواندیم مسیره یوم را برمی‌گرداند به ثمانیه فراسخ.

بررسی روایت چهاردهم:

از امام صادق(علیه السلام)؛
در روایت چهاردهم از امام صادق(علیه السلام) سؤال می‌شود؛ «قال فی التَّقْصِیرِ حَدَّ اَرْبَعَةِ وَ عَشْرُونَ مِیْلًا»، در این روایت 24 میل را ذکر کرده.

بررسی روایت پانزدهم:

روایت عبدالله بن حجاج از امام صادق(علیه السلام)؛
سند و متن روایت به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت؛

روایت پانزدهم که شیخ طوسی(ره) «عن علی بن الحسن»، که سند شیخ طوسی(ره) به علی بن الحسن فضال هم درست نیست! در آن علی بن محمد بن زبیر هست که اشکال دارد. «و عنه» یعنی شیخ طوسی «عن علی بن حسن بن فضال عن محمد بن عبدالله و هارون بن مسلم جميعاً عن محمد بن ابی عمیر عن عبدالله بن الحجاج»

ب. بررسی دلالت روایت؛

«عن أبی عبدالله(علیه السلام) فی حدیثٍ قال قلت له کم أدنی ما یَقْصُرُ فیهِ الصَّلَاةُ» کمترین مقداری که نماز در آن قصر می‌شود چیست؟ «قال جرت السنة»، یعنی سنت رسول خدا به بیاض یوم، بیاض یوم ملاک است. «فقلت له إِنَّ بیاض یوم یختلف، یصیر الرجل خمسة عشر فرسخاً فی یوم» عبدالله بن حجاج می‌گوید به امام صادق عرض کردم حرکت در بیاض یوم مختلف است، یک کسی در بیاض یوم 15 فرسخ می‌رود «و یصیر الآخر اربعة فراسخ»، یک کسی چهار فرسخ می‌رود. یک کسی پنج فرسخ می‌رود، «فقال إنه لیس إلى ذلک ینظر»، به اینها نظر نمی‌شود «أما رأیت» یعنی به اینکه تو گفتی که می‌بینیم فقط مسیر یوم هر چقدر شد؟ یعنی اصلاً در این روایت امام(علیه السلام) صریحاً مسیره یوم را انکار می‌کند، «لیس إلى ذلک ینظر»، ذلک یعنی چه؟ یعنی بگوئیم مسیر یوم. حالا خواه چهار فرسخ باشد یا 20 فرسخ باشد، می‌فرماید «أما رأیت السیر هذه الأمیال»، در بعضی از نسخ، انقال دارد، انقال هم صحیح است. «بین مکة و مدینة» اشاره کردند به کاروان‌ها و مکاریونی که از مکه و مدینه بار می‌برند «ثم أوما بیده اربعة و عشرون میلاً یكون ثمانیه فراسخ» حضرت با انگشت مبارکشانشان به 24 میل اشاره کردند. حالا چرا «أوما بیده».

در کتاب «البدر الزاهر» که تقریرات مرحوم آقای بروجرودی(ره) است، آنجا از قول ایشان نقل کردند که این «ثم أوما بیده» لعله از باب تقیّه باشد.

ولی به نظر می‌رسد که حضرت بعد از آن فرمودند ثمانیه فراسخ، این «أوما بیده» برای اینکه مسئله را محکمتر کنند، مثل اینکه یک وقت کسی از ما سؤال می‌کند فاصله‌ای که من بخوایم بروم چقدر است؟ یک وقت می‌گوییم دو کیلومتر، یک وقت با اشاره دست می‌گوئیم از این دیوار تا این دیوار! این «أوما بیده» که فاصله‌ی هشت فرسخ 24 میل را اشاره کردند برای تأکید در مسئله

است. پس اینجا: اولاً باز این روایت ملاک را آورده روی «ثمانية فراسخ» و ثانياً اصلاً مسیره یوم را نفی کرده.

عرض کردم این نکته‌ای است که باز ندیدم به آن توجه شده باشد. در این روایت وقتی که عبدالله بن حجاج می‌فرماید بیاض یوم مختلف است یک کسی 15 فرسخ می‌رود یک کسی 4 فرسخ می‌رود، یک کسی 5 فرسخ می‌رود، حضرت فرمود «إنّهُ لیس إلی ذلک ینظر»، یعنی ملاک مسیره یوم نیست، ملاک این نیست که بگوئیم یک روز چقدر رفته؟ هر چقدر رفته باشد! ملاک این نیست که بگوئیم سیر در یوم هر مقدار می‌خواهد باشد! یعنی صریحاً حضرت این را نفی می‌کند، شما ببینید احتمال دیگری در این عبارت می‌دهید؟ «إنّهُ لیس إلی ذلک ینظر»، ظاهرش همین نفی است، یعنی اگر در روایات دیگر هم مسیره یوم را ملاک قرار داده به اعتبار رجوعش به ثمانیه فراسخ است، حضرت می‌فرماید: «لیس إلی ذلک ینظر أما رأیت سیر هذه الاثقال بین مکة و المدینة ثم أوما بیده أربعة و عشرون میلاً یكون ثمانیه فراسخ».

بررسی روایت شانزدهم:

صحيحه علی بن یقطین از امام کاظم(علیه السلام)؛
سند و متن روایت به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت؛

در این حدیث که صحیح‌ه‌ی علی بن یقطین است

ب. بررسی دلالت روایت؛

«سألت أبا الحسن الأول (امام کاظم(علیه السلام)) عن الرجل يخرج في سفره و هو مسیره یوم» و در بعضی نسخ دارد «فی مسیره یوم، قال يجب علیه التقصیر مسیره یوم و إن کان يدور فی عمله»، این روایت باز ملاک را روی «مسیره یوم» آورده بود.

بررسی روایت هفدهم:

روایت پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله وسلم)؛
ایشان فرمودند: «التقصیر يجب فی بریدین»، باز ملاک را روی «بریدین» آورده.

نتیجه نهایی مستفاد از روایات باب اول؛

پس این تأمل را ما در این روایات داریم. از این رو، ما از این روایات به خوبی نتیجه گرفتیم که:

اولاً: «بریدین، أربعة و عشرون میلاً، ثمانیه فراسخ» یکی است؛

ثانياً: «مسیره یوم» هم به همین «ثمانیه فراسخ» برمی‌گردد. این مستفاد از این روایات است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين